**عيد فطر و نقش آن در تحولات فردي و اجتماعي**

نویسنده : عبدالكريم پاك‌نيا

**روز بازگشت‌به فطرت**

در فرهنگ اسلامي اولين روز ماه شوال به عنوان عيد فطر و جشن بازگشت‌به فطرت معين شده است، زيرا مسلمانان روزه‌دار در طول ماه رمضان با ارتباط‌هاي پي در پي با خداوند متعال و استغفار از گناهان به تصفيه روح و جان خويش همت گماشته و از تمام آلودگي‌هاي ظاهري و باطني كه بر خلاف فطرت آن‌هاست، خود را پاك نموده و به فطرت واقعي خود برمي‌گردند. اميرمؤمنان علي عليه السلام نيز از همين زاويه به عيد فطر مي‌نگرد و با اشاره به روز عيد مي‌فرمايد: «انما هو عيد لمن قبل الله صيامه وشكر قيامه وكل يوم لا يعصي الله فهو عيد (1) ; اين عيد كسي است كه خدا روزه‌اش را پذيرفته و نماز او را ستوده است و هر روز كه خدا نافرماني نشود، آن روز عيد است. »
بلي روز ترك گناه و فاصله گرفتن از زشتي‌ها و پليدي‌ها و روز غلبه بر شياطين، روز عيد است . عيد فطر روز بازگشت‌به فطرت است، اين معنا رامي‌توان از لغت «عيد فطر» هم فهميد، چرا كه «عيد» به معناي بازگشت و «فطر» به معناي «فطرت و طبيعت‌» است .
مسلمانان در اين روز در اثر يك ماه ضيافت و مهماني خداوند به صفاي باطن دست‌يافته و در حقيقت، شخصيت واقعي خويش را بازيافته‌اند، آري، فطرت پاك انسان در طول سال در اثر غبارهاي جهل و ناداني و غفلت‌به انواع گناهان و معصيت‌ها مبتلا شده و از حقيقت‌خود دور مي‌شود و در نتيجه دچار خودفراموشي و خدا فراموشي مي‌گردد . اما با فرا رسيدن ماه مبارك رمضان، انسان مسلمان در پرتو فضاي معنوي آن ماه و تلاش‌هاي خويش به يك زندگي نوين دست مي‌يابد، كه مي‌توان آن را «بازگشت‌به خويشتن‌» ناميد .
در روز عيد فطر گوئي يك مسلمان از نو متولد مي‌شود، چرا كه طبق گفتار اميرمؤمنان عليه السلام، روزه‌داران در شب عيد فطر از تمام آلودگي‌ها و پليدي‌ها پاك شده‌اند و كمترين پاداش خود را كه پاكي و پاكيزگي است دريافت نموده‌اند . آن حضرت چنين مي‌فرمايد: «واعلموا عباد الله! ان ادني ما للصائمين والصائمات ان يناديهم ملك في آخر يوم من شهر رمضان: ابشروا عباد الله! فقد غفر لكم ما سلف من ذنوبكم فانظروا كيف تكونون فيما تستانفون (2) ; اي بندگان خدا! بدانيد كه كوچكترين چيزي كه براي مردان و زنان روزه‌دار است، اين است كه فرشته‌اي در روز آخر ما مبارك رمضان به آن‌ها ندا مي‌دهد: اي بندگان خدا! بشارتتان باد كه [خداوند متعال ] تمام گناهان گذشته شما را آمرزيد، پس بنگريد كه بعد از اين چگونه عمل خواهيد كرد .»
شيخ مفيد مي‌نويسد: اينكه روز اول ماه شوال عيد اهل ايمان قرار داده شده است، به خاطر اين است كه آنان براي قبولي اعمالشان در ماه رمضان خوشحالند و از اينكه خداوند متعال گناهانشان را بخشيده و بر عيب‌هاي آنان پرده كشيده و مژده و بشارت از طرف خداوند رسيده است كه ثواب‌هاي بسياري براي روزه‌داران عطا خواهد كرد و از اينكه مؤمنين در اثر تلاش‌هاي شب و روز ماه مبارك رمضان چند مرحله به قرب الهي نزديك شده‌اند، حالت‌سرور و نشاط دارند . در اين روز غسل معين شده و اين علامت پاكي از گناهان مي‌باشد، عطر زدن و بوي خوش استعمال كردن و لباس زيبا و تميز پوشيدن و به صحرا رفتن و زير آسمان نماز خواندن همه‌اش علامت‌شادي و سرور و از روي حكمت مي‌باشد (3).

**مراتب روزه‌داران در عيد فطر**

بدون ترديد تك تك مسلمانان با فرا رسيدن عيد سعيد فطر نوعي شادي و لذت دروني در خود احساس مي‌كنند، اما استقبال مسلمانان از روز عيد فطر يكنواخت و مساوي نيست . زيرا هر كسي نسبت‌به معرفت و ايمان خود به اين عيد بزرگ و با عظمت مي‌نگرد و از آن بهره مي‌گيرد . زمينه‌ها، ذهنيت‌ها، مراتب ايمان و عوامل ديگري در نگرش و انگيزه افراد دخالت دارد .
به همين جهت عارف واصل ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي‌قدس سره (4) روزه داراني را كه به عيد سعيد فطر وارد مي‌شوند، به پنج گروه تقسيم مي‌كند و نوع نگرش آنان رانسبت‌به اين روز با عظمت توضيح مي‌دهد . ايشان در مورد پايين‌ترين مراتب استقبال كنندگان از عيد فطر مي‌نويسد: «گروهي از روزه‌داران حقيقت روزه را نشناخته‌اند و با زحمت و تكلف از خوردن و آشاميدن و ساير مبطلات خود داري مي‌كنند و اين را نوعي طاعت مي‌شمارند و خود را منت‌دار خداوند مي‌دانند . آنان از اعضاء و جوارح خود مراقبت نكرده و با دروغ و غيبت و بهتان و افترا و دشنام، به آزار ديگران پرداخته و زحمات خود را هدر مي‌كنند و در نزد خداي عالميان منزلتي ندارند، مگر اينكه حضورشان در روز عيد براي حسن ظن به عنايت‌خداي بزرگ باشد و در نمازگاه خود در روز عيد فطر از گناهان استغفار نموده و طلب آمرزش كنند .»
وي عالي‌ترين مرتبه استقبال كنندگان از عيد فطر را از آن روزه‌داران عارفي مي‌داند كه لذت نداي خداي «جل جلاله‌» ، رنج گرسنگي و تشنگي و شب زنده داري را از ياد آنان برده و با شوق و شكر بلكه با وجد و سكر (5) آن را پيشواز نموده، در سرعت‌سير و سلوك و پيشروي به سوي خير، جديت‌به خرج داده و از عمق جان به نداي رب الارباب لبيك گفته‌اند .
خداوند متعال اعمال را از اين گروه به حسن قبول مي‌پذيرد و آن‌ها را به مقام قرب نزديك مي‌نمايد و در پيشگاه صدق در جوار خود با اولياء و اصفياء مي‌نشاند و از «جام اوفي‌» به آن‌ها مي‌چشاند و به مقام «او ادني‌» مي‌رساند (6) . آري، در حقيقت در سحرگاه عيد فطر اولياء الهي با حضرت حق چنين نجوا دارند:
اي عيد عاشقان به حقيقت جمال تو
هر لحظه عيديي رسدم از وصال تو
عيد كسان غره شوال و عيد من
آن ساعتي بود كه ببينم جمال تو
حل مشكلات اقتصادي و اجتماعي در مورد ابعاد اقتصادي و اجتماعي عيد فطر مي توان به پرداخت زكات فطره به عنوان عاملي ارزشمند براي فقرزدايي، توسعه اقتصادي و حل مشكلات اجتماعي در جامعه اسلامي اشاره نمود . افزون بر اينكه در كنار كمك به فقراء، موارد مصرف ديگري نيز براي زكات فطره در اسلام منظور شده است كه از جمله آن‌ها احياي روحيه همياري و تعاون، رسيدگي به وضع بهداشتي، درماني و فرهنگي مسلمانان مي‌باشد . از زكات فطره مي‌توان قرض بدهكاران حقيقي و افرادي را كه در راه معصيت و خلاف بدهكار نشده‌اند، پرداخت نمود . در ساختن مسجد، مدرسه، پل‌ها و راه‌ها و بيمارستان‌ها و برطرف كردن ساير نيازهاي مسلمانان نيز مي‌توان از اين بودجه مردمي استفاده كرد .
همچنين با اين بودجه مي‌توان باورهاي ديني و اعتقادات مسلمانان ضعيف الايمان را تقويت نمود و كساني را كه در معرض شبهات و وسوسه‌هاي دشمنان قرار دارند ياري كرد .
مسلمانان با عمل به اين موارد كه با پرداخت زكات فطره انجام مي‌شود، در حقيقت‌به بخشي از دعاهاي ماه رمضان - كه در مدت يكماه بعد از نماز زمزمه مي‌كردند - ، در روز عيد فطر جامه عمل مي‌پوشانند . گذشته از اين‌ها، پرداخت زكات فطره كه با نيت عبادت و تقرب به خداوند متعال انجام مي‌شود، نوعي بهره‌گيري از ماديات براي رسيدن به معنويات است .
بدين جهت گفته‌اند كه قبول روزه موكول به پرداخت زكات فطره مي‌باشد، چرا كه دادن زكات موجب جدايي از تعلقات مادي و هواهاي دنيوي و نفساني است و انسان مؤمن براي دوام فطرت الهي خويش و بازگشت‌به عهد فطري «الست‌» از هر آنچه رنگ تعلق دارد، بايد رها و آزاد باشد و زنجير ماديات را از پاي خود بركند تا سبك بال به سوي خداوند گام نهد . همچنانكه امام علي عليه السلام فرمود:
«تخففوا تلحقوا (7) ; سبكبال باشيد تا [به مقصد] برسيد .»
رسيدن به وصال حق باگران باري و تعلقات بسيار سازگار نيست . خداوند متعال مي‌فرمايد: «قد افلح من تزكي وذكر اسم ربه فصلي‌» (8) ; «همانا رستگار شد كسي كه [با پرداخت زكات، ] خود را تزكيه نمود و آنكه نام پروردگارش را ياد نموده و سپس نماز خواند .»
يكي از مصاديق اين آيه، عيد فطر و زكات فطره مي‌باشد . در روايات آمده است كه همواره رسول خدا صلي الله عليه و آله روزهاي عيد فطر قبل از رفتن به مصلي فطره را تقسيم مي‌كرد و اين آيه را مي‌خواند (9) .

**تعظيم شعائر اسلامي**

خداوند متعال مي‌فرمايد: «ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوي القلوب‌» (10) ; «هر كس شعائر الهي را بزرگ دارد، اين كار نشانه تقواي دل‌هاست .»
تعظيم شعائر الهي يكي ديگر از ويژگي‌هاي عيد سعيد فطر مي‌باشد . شعار تكبير و تهليل و تحميد و تقديس از جمله اعمالي است كه به روز عيد جلوه خاصي مي‌بخشد .
يك مسلمان بايد از راه‌هاي مختلف نداي حياتبخش توحيد را به گوش جهانيان برساند، كه يكي از آن راه‌ها بيان شعارهاي مذهبي است . رسول خدا صلي الله عليه و آله مي‌فرمايد: «زينوا اعيادكم بالتكبير (11) ; عيدهاي خود را با [شعار] تكبير زينت دهيد .» و در حديث ديگري مي‌فرمايد: «زينوا العيدين بالتهليل والتكبير والتحميد والتقديس (12) ; عيدهاي فطر و قربان را با شعارهاي لا اله الا الله و الله اكبر و الحمدلله و سبحان الله زينت دهيد .»
پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله خود نيز چنين مي‌كرد . آن حضرت در روز عيد فطر از منزل بيرون مي‌آمد و تا رسيدن به مصلا با صداي بلند، شعار «لا اله الا الله‌» و «الله اكبر» سر مي‌داد و حتي در ميان خطبه‌ها و قبل و بعد از آن با صداي رسا اين كلمات را تكرار مي‌نمود . حضرت رضا عليه السلام در مورد علت تكبيرهاي زياد در روز عيد فطر مي‌فرمايد: «تكبير، تعظيم و زرگداشت‌خداوند متعال است و نوعي تشكر از هدايت‌ها و نعمت‌هاي پروردگار جهانيان مي‌باشد . (13) »

**تقويت وحدت مسلمانان**

اجتماع روز عيد فطر مي‌تواند در پيوند و همدلي مسلمانان نقش آفرين باشد . آنان در گردهمايي روز عيد فطر و قرار گرفتن در كنار هم، از نظرات، مشكلات و گرفتاري‌هاي همديگر آگاه مي‌شوند . در اين گردهمايي بغض‌ها و كينه‌ها تبديل به دوستي و همدلي مي‌شود و مؤمنان در يك صف واحد احساس اتحاد و نزديكي بيشتري به همديگر مي‌كنند .
عيد فطر از سويي حكايت از پيوند معنوي انسان با خداي خويش دارد و از سوي ديگر حكايت‌گر ارتباط وي با هم‌كيشان خود است.
حضرت سجاد عليه السلام روز عيد فطر را روز جشن و شادي و اجتماع و همياري مسلمانان نسبت‌به يكديگر مي‌داند و مي‌فرمايد: «اللهم انا نتوب اليك في يوم فطرنا الذي جعلته للمؤمنين عيدا وسرورا ولاهل ملتك مجمعا ومحتشدا (14) ; پروردگارا! ما به سوي تو برمي‌گرديم در روز عيد فطرمان كه آن را براي اهل ايمان روز عيد و شادي و براي اهل ملت‌خودت روز اجتماع و همياري قرار دادي .»
حضرت رضا عليه السلام در مورد نقش عيد فطر در تحولات معنوي، اقتصادي و اجتماعي جامعه مي‌فرمايد: «انما جعل يوم الفطر العيد، ليكون للمسلمين مجتمعا يجتمعون فيه ويبرزون لله عزوجل فيمجدونه علي ما من عليهم، فيكون يوم عيد ويوم اجتماع ويوم زكات ويوم رغبة ويوم تضرع و . . . فاحب الله عزوجل ان يكون لهم في ذلك مجمع يحمدونه فيه ويقدسونه (15) ; روز فطر، عيد مقرر شده تا مسلمانان در اين روز گرد هم آيند و براي خداوند ظهور كنند و او را به خاطر نعمت‌هايش تعظيم كنند . پس اين روز، روز عيد، روز اجتماع، روز فطر، روز زكات، روز رغبت و روز تضرع و . . . است . پس خداوند بزرگ دوست دارد كه مسلمانان در چنين روزي اجتماعي داشته و در آن، او را ستايش كرده و مقدس بدارند .»

**عيد فطر و حركت‌هاي سياسي**

در طول تاريخ، اجتماع روز عيد فطر آنچنان مهم و تحول آفرين بوده كه رهبران سياسي نيز از آن بهره گرفته‌اند . در اين مورد مي‌توان از حركت‌سياسي ابومسلم خراساني و شورش وي بر عليه دستگاه خلافت‌بني اميه نام برد . وي به سليمان بن كثير دستور داد به اقامه نماز عيد فطر و ايراد خطبه بر عليه امويان بپردازد .
سليمان نيز انقلاب و شورش بر عليه سلطنت اموي را در خطبه نماز عيد فطر اعلام كرد . به اين ترتيب آنان در سال 129 ق در روز عيد فطر در شهرهاي ماوراء النهر به پا خاسته و قيام خود را اعلام كردند (16) و در مدت كوتاهي سلسله بني اميه را منقرض ساختند .

**حركت امام رضا عليه السلام براي نماز عيد**

در اين ميان حركت معنوي، اجتماعي و سياسي حضرت رضا عليه السلام براي نماز عيد اهميت‌خاصي در تاريخ اسلام دارد . اين حماسه جاويدان نشان مي‌دهد كه اگر پيشوايان معصوم عليهم السلام و بزرگان دين و رهبران صالح در جوامع مسلمان فرصت مي‌يافتند و مي‌توانستند از نمازهاي عيد فطر و قربان بهره برداري كنند، چه نتايج پرباري براي مسلمانان داشت .
براي آشنايي خوانندگان گرامي با عظمت اين حركت و نقش آن در تحولات معنوي و سياسي جهان اسلام و همچنين توجه به سيره اهل بيت عليهم السلام در اجراي مراسم عيد فطر و قربان خلاصه‌اي از آن واقعه را مي‌خوانيم:
بعد از جريان ولايتعهدي حضرت رضا عليه السلام، عيد فرا رسيد . مامون با اصرار زياد از آن حضرت خواست تا براي اجراي مراسم عيد حضور يابد و ضمن اقامه نماز عيد خطبه بخواند . امام رضا عليه السلام به فرستاده مامون فرمود: شروطي را كه ميان من و تو در پذيرفتن امر ولايتعهدي بود، خودت مي‌داني [ . بنا، بر اين بود كه من از اين گونه امور معاف باشم] . مامون پيغام داد كه: من مي‌خواهم با اين عمل دل مردم آرامش يابد و فضيلت‌شما را بشناسند .
پيغام‌ها از سوي مامون و امتناع حضرت رضا عليه السلام پيوسته ادامه داشت تا آنكه حضرت رضا عليه السلام در اثر پافشاري خليفه فرمود: دوست دارم مرا از اين امر معاف داري و اگر معاف نمي‌داري، من همچنانكه پيامبر صلي الله عليه و آله و اميرالمؤمنين عليه السلام براي نماز عيد بيرون مي‌آمدند، خواهم آمد . مامون گفت: هر طور كه دوست داري بيرون بيا و مراسم عيد را به انجام برسان . آن‌گاه دستور داد سرداران و تمام مردم صبح زود در مقابل منزل مسكوني حضرت رضا عليه السلام اجتماع نمايند . با انتشار اين خبر مردم مرو مشتاقانه براي شركت در مراسم و بهره‌گيري از وجود حضرت رضا عليه السلام خود را آماده كردند . هنگامي كه خورشيد طلوع كرد، امام عليه السلام غسل نمود و عمامه سفيدي را كه از پنبه تهيه شده بود بر سر گذاشت و يك سر آن را روي سينه و سر ديگر را ميان دو شانه انداخت . دامن را به كمر زد و به همه پيروان و دوستدارانش دستور داد چنان كنند . آن‌گاه عصاي پيكان داري به دست گرفت و از منزل بيرون آمد . آن حضرت در حالي كه پا برهنه بود و پيراهن و ساير لباس‌هايش را به كمر زده بود، به همراه غلامان و ياران نزديك خويش - كه آنان نيز چنين كرده بودند - به همين شكل از منزل به سوي مصلا حركت كردند .
موقع خروج از منزل، امام رضا عليه السلام سر به سوي آسمان بلند كرد و چهار تكبير گفت، اين تكبيرها آن چنان با صلابت و روحانيت‌خاصي ادا مي‌شد كه گويي آسمان و در و ديوار با نواي حضرتش هم آواز هستند . سرداران و نظاميان و ساير مردم كه با آمادگي و آراستگي تمام در بيرون منزل صف كشيده بودند، هنگامي كه امام رضا(ع) و يارانش را به آن صورت مشاهده كردند به پيروي از امام رضا عليه السلام و هماهنگ با او فرياد تكبير سردادند .
شهر مرو يكپارچه فرياد تكبير سر داد و به دنبال آن از گريه و ناله هزاران زن و مرد مشتاق اهل بيت عليه السلام به لرزه در آمد، سرداران هنگامي كه حضرت را با آن حال ديدند از مركب‌هاي خود پياده شدند و كفش‌هاي خود را در آورده و كنار گذاشتند و به دنبال امام عليه السلام به راه افتادند . حضرت رضا عليه السلام پياده راه مي‌رفت و هر ده قدم يك بار مي‌ايستاد و سه تكبير مي‌گفت .
ياسر خادم مي‌گويد: در اين حال ما خيال مي‌كرديم كه آسمان و زمين و كوه با او هم آواز گشته است، شهر مرو يكپارچه گريه و شيون بود، فضل بن سهل ذوالرياستين با مشاهده اين اوضاع به مامون گفت: اگر [امام ] رضا عليه السلام با اين وضع به مصلا برسد، مردم مجذوب او خواهند شد [و ممكن است‌با يك اشاره طومار حكومت را در هم پيچند، ] به نظر من بهتر است كه از او بخواهي تا برگردد .
مامون هم فورا كسي را فرستاد واز حضرت رضا عليه السلام در خواست نمود تا از ميانه راه برگردد . امام رضا عليه السلام هم كفش‌هاي خود را طلبيد و سوار مركب شده، به منزل مراجعت كرد . (17)
اين روايت گذشته از اينكه تدبير و دورانديشي حضرت رضا (ع) را براي شكست‌سياست‌هاي شيطاني مامون نشان مي‌دهد، چگونگي اجراي مراسم باشكوه عيد در سيره اهل بيت‌7 و كيفيت‌يك نماز واقعي عيد را بيان مي‌كند

پي نوشت :

1) نهج البلاغه، حكمت 428 .
2) امالي شيخ صدوق، ص‌100 .
3) مسار الشيعة، ص‌30 .
4) ايشان كه استاد اخلاق و عرفان برجسته‌اي در حوزه علميه قم بود، در سال 1343ق به ديار حق شتافت . در مكتب تربيتي اين عارف فرزانه بزرگان فراواني تربيت‌شدند كه از جمله آن‌ها مي‌توان از حضرت امام خميني‌قدس سره، آيت الله مرعشي نجفي‌قدس سره، شيخ اسماعيل تائب تبريزي، آخوند ملا علي معصومي و ميرزا عبد الله شالچي تبريزي نام برد . در مورد مقام عرفاني و جذبه اين استاد كامل عرفان همين قدر كافي است‌بدانيم كه حضرت امام خميني‌قدس سره آن‌گاه كه پس از يكدوره طولاني تبعيد، در اوج عزت و افتخار از پاريس به ايران مراجعت كرده و به شهر قم وارد شد، در اولين فرصت‌به مزار شيخان رفته و در كنار قبر استادش حاج ميرزا جواد آقا ملكي تبريزي حاضر شده و در كنار آن نشست، آن‌گاه به نشانه تواضع و حق‌شناسي، تحت الحنك عمامه خود را باز كرد - و با آنكه هميشه دستمال همراه داشت - با گوشه عمامه خود غبار سنگ استاد عارف را زدود و سپس به قرائت فاتحه و تلاوت قرآن پرداخت .
5) سكر، يك اصطلاح عرفاني است و عبارت است از يك نوع كيفيت نفساني كه موجب انبساط روح است و آن بواسطه غلبه سروري است كه هرگاه عشق و محبت‌سالك به آخرين درجه برسد، بر وي عارض مي‌شود . او در آن حال بر قواي حيواني و نفساني خويش چيره مي‌گردد و حالت‌بهت و سكر و حيرت پديد مي‌آيد و اين حالت، عارف سالك را مبهوت و متحير و سرگردان مي‌كند . در شرح كلمات باباطاهر آمده است كه سكر حقيقي آن است كه سالك در فنا مقام گيرد .(فرهنگ علوم عقلي، ص‌300).
6) برگرفته از المراقبات، ص‌334 .
7) نهج البلاغه، خطبه 21 .
8) اعلي/14 و 15 .
9) تفسير الميزان، ذيل آيه 14 سوره اعلي .
10) حج/31 .
11) كنزالعمال، ح‌24094 .
12) همان، ح‌24095 .
13) عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج‌1، ص‌122 .
14) صحيفه سجاديه، دعاي 45 .
15) وسائل الشيعه، ج‌7، ص‌481، ح‌4 .
16) تاريخ طبري، ج‌6، ص‌26 .
17) اصول كافي، مولد ابي الحسن الرضا عليه السلام، حديث 7 .

برگرفته از : ماهنامه مبلغان، شماره 35

منبع: سایت مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن